

درس تاریخ معماری جهان

معماری رنسانس

بخش اول رنسانس متقدم

لادن اعتضادی

دانشکده معماری و شهرسازی

دانشگاه شهید بهشتی

بهار 1399

هنر و معماری در دوره رنسانس



دوره رنسانس از نظر تغییرات درون سبکی به سه دوره رنسانس **متقدم**، رنسانس **مترقی** و رنسانس **متأخر** (منریسم) تقسیم شده

رشد شهر نشینی و تجارت در قرن 15 میلادی

اهمیت بندرگاه‌های تجاری ایتالیا در انتقال فرهنگ



رנסانس یا تجدید حیات فرهنگی در اروپا

از قرن 15 تا 18 میلادی

به معنای بازگشت به اصول فرهنگ و هنر یونان کلاسیک و روم دوران امپراتوری است.

توجه به اصول زیبایی شناسی معماری یونان

متأثر از نظریات فلسفی یونان

با تأکید بر ریاضی و هندسه

این اصول عبارتند از:

هندسه متکی بر مدول، تناسبات هارمونیک و تقارن

بعلاوه توجه به اصول پرسپکتیو که از رنسانس به طریق علمی شناخته شد.

تابلوی مدرسه آتن اثر رافائل، نقاش اویل رنسانس متری

حضور ژرف‌نمایی یا پرسپکتیو در نقاشی و توجه به الگوهای معماری رومی در تابلو [ونه یونانی!]

در احیای معماری کلاسیک به اصول زیبانشناختی یونانی و صورت‌های فضاها رومی (که با مصالح بتن رومی امکانات بیشتری را محیا می‌کردند) توجه می‌شود.



در رنسانس هنرها و علوم تحت تأثیر دستاوردهای دوران کلاسیک است.
مردم شهرنشین اروپا در پی احیای فرهنگ کلاسیک یونان و روم باستان بودند



تابلوی عروسی
با حضور مسیح،
توجه به
ژرفنمایی و
الگوهای معماری
روم باستان در
این تابلو هم
مشهود است .

فرهنگ کلاسیک و خواست احیای آن به چه معنا است؟

- در فرهنگ و هنر غربی اصطلاح کلاسیک، به معنای یک دوره تاریخی است که در درس معماری یونان باستان به آن دوره پرداختیم.
- از حدود پانصد پیش از میلاد تا ظهور اسکندر در سیصد پیش از میلاد. یک دوره دویست ساله شکوفایی تمدنی در یونان با مرکزیت غیر سیاسی اما فرهنگی - علمی آتن شکل گرفته بود.
- این دوره "دموکراسی آتن" بود که بعد از دوران "تیرانی" (استبداد در دولت‌شهرها) پدید آمد و به "عصر طلایی آتن" هم شهرت دارد.
- در این دوره تمام علوم که زیرپوشش فلسفه بودند، از جمله ریاضی و هندسه و نجوم و پزشکی و... در یونان به اوج شکوفایی رسیدند و در پرتو نگاه خاص فلسفی از سقراط تا افلاطون و ارسطو، تفسیری از رابطه انسان با جهان شکل گرفت که بسیار انسانمدارانه بود. فلسفه یونان بخصوص از ارسطو به بعد بر مبنای علم منطق که اوبنیان نهاد، رابطه انسان با جهان مادی را تفسیر می کرد و این امر در دنیای باستان که نظام‌های "خدایان محوری" و باورها بیش از این دنیا به جهان ماوراء دنیایی معطوف بود، امری بی سابقه می‌نماید. در این زمینه، افلاطون آفرینش جهان را وابسته به یک عقل کل و مبنای ریاضی بیان می‌کرد و فیثاغورث نظم عالم هستی را یک نظم هارمونیک موسیقایی مبتنی بر تناسبات هندسی می‌دانست و ارسطو عالم را مبتنی بر یک نظام منطقی تفسیر می‌کرد.
- این نگاه علمی - فلسفی به انسان و جهان البته در یک نظام خداشناسی اسطوره‌ای یونانی شکل گرفت که در آن نظام خدایان هیچکدام خالق عالم شناخته نمی‌شدند و هر یک "رب النوع" ای بودند همچون نماینده غایی یک یا چند پدیده عالم هستی.
- این نظام خداشناسی در عالم مسیحیت دوره رنسانس شرک یا paganism شناخته می‌شد، اما نگاه فلسفی انسانمدارانه یونانیان به عالم هستی را شهر نشینان ایتالیا و اروپا بیشتر از نگاه "کلیسا محوری" که پاپ و مسیحیت کاتولیک در اروپا با تمسک به دستگاه "تفتیش عقاید" (انکیزیسیون) از قرون وسطا به بعد اشاعه می‌دادند، می‌پسندیدند.
- نگاه انسانمدارانه یونانی، فرهیختگان شهرنشین که باسواد بودند و بقیه جامعه شهری که از توان خواندن و نوشتن بیش‌تری نسبت به جامعه فتودالی برخوردار بودند را جذب کرد و حتی برخی از کشیشان کاتولیک را نیز در اواخر رنسانس به خود جلب کرد و این فرهیختگان در این باب می‌نوشتند.
- در پی سقوط قسطنطنیه و فرار مردم مسیحی و یونانی تبار آنجا به ایتالیا، ایتالیا، مهد آشنایی با کتاب‌ها و آموزش‌های یونانی شد که بیشتر در مدارس قسطنطنیه آموزش داده می‌شدند. این کتاب‌ها را به مناسبت این که نگاه انسانمدارانه در آن‌ها بود، "اومانیستیکا" و پیروان این عقاید را "اومانیست" می‌نامیدند. (از ریشه Human به معنی انسان)

جهان بینی حاکم در دوره رنسانس و تأثیرات آن بر هنر و معماری

از این رو جهان بینی حاکم در دوره رنسانس را جهان بینی اومانستی (Humanistic) می‌نامند. و این جهان بینی تأثیراتش را در ادبیات، موسیقی، هنرهای تجسمی و معماری برجای گذاشت. مردم شهرنشین این دوره که با این جهان بینی متفاوت دوره کلاسیک یونان آشنا شده بودند شباهت زیادی بین نوع زندگی شهری خود مبتنی بر تجارت و شهرهای آزاد از قید فئودال‌ها و دولت‌شهرهای یونان می‌دیدند، پس علاقمند شدند که به جای سلطه ارباب کلیسا بر جنبه‌های فرهنگی زندگیشان، خود، محور تصمیم‌های فرهنگی باشند و کلیسا از ایشان تبعیت کند، پرچمدار این جریان فرهنگی جدید که در ایتالیا انسجام یافت قشر جدیدی از مردم جامعه بودند به نام "هنرمندان". ایشان غالباً بازماندگان ماسون‌های قرون وسطا بودند که اکنون مجسمه سازان و معماران متبحر و با نگاهی جدید، باعث خلق آثاری نو در معماری شدند.

در این زمان شهرنشینی اروپا که بر اساس تجارت شکل گرفته بود، پس از طی چهارصد سال درگیری با فئودال‌ها، از قید حکومت آن‌ها در آمده و در غالب نقاط اروپا به شکل شهرهای مستقل تحت مدیریت شورای شهر و شهردار منتخب اداره می‌شدند که بسیار شبیه به نظام دموکراسی آتن بود: شهرهایی که مردمش تاجر پیشه و کاسب و صنعتگر بودند و دیگر مانند "سرف"‌ها (رعیت کشاورزی)، تحت سلطه فئودال‌های زمیندار نبودند و اکنون می‌خواستند فرهنگ مستقل خود را از فرهنگ فئودالی - کلیسایی قرون وسطایی داشته باشند. این فرهنگ مستقل را به علت شباهت شیوه زندگیشان با دولت‌شهرهای دوران کلاسیک در همان دوران جستجو می‌کردند و اهتمام کردند تا آن شیوه باستانی را احیا کنند. از این رو دوره خود را دوره رنسانس (نوزایی) نامیدند.

شهرنشینان اروپا طی چهارصد سال مبارزه، استقلال اقتصادی و سیاسی خود را تحت عنوان حقوق شهر وندی از نظام فئودالی کسب کرده بودند. اکنون نیازمند استقلال فرهنگی بودند. این نیاز از طریق آشنایی با جهان بینی یونانی برآورده شد. یک نوزایی فرهنگی که از قرن پانزدهم میلادی به بعد در هنرها و علوم مجسم شد، و نهایتاً در اواخر رنسانس حتی به استقلال مذهبی انجامید یعنی جنبش اعتراض یا پروتستانتیسم که به اصلاح مذهبی یا رفرماسیون هم شهرت دارد، مؤسس مذهبی جدید در مسیحیت شد.

احیای دوران کلاسیک به معنی احیای روح آن دوران بود

این گرایش صرفاً یک گرته برداری از صورت‌های هنری یا سیاسی - اجتماعی نبود، بلکه الهام از هنر کلاسیک بود که منجر به تحول هنرهای تجسمی از صورت انتزاعی قرون وسطا به صورت آرمانگرا- واقعگرای کلاسیک شد. **راست: دیسک پران اثر میرون یونانی و چپ: داوود اثر میکل آنجلو رنسانس**

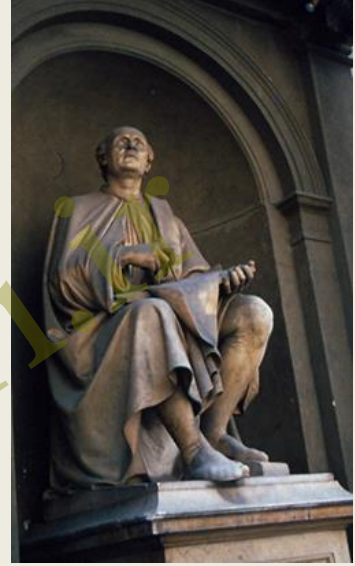


آرمانگرایی انتزاعی گوتیک در مقابل کمال گرایی واقعگرایانه رنسانس

یک قدیس از هنر گوتیک در مقایسه با یوحنا ی حواری اثر دوناتلو و موسی اثر میکل آنجلو



مصادیقی از مجسمه‌سازی روم باستان، گوتیک، گوتیک متأخر و
رنسانس متقدم



کلاسیک گرایی رنسانس
بیانی نو از معماری کلاسیک
است.

بنابراین، سبکی مستقل و ارزشمند و غیر
تقلیدی محسوب می‌شود.



رسانس، عصر علم و هنر و تکنولوژی در غرب و دوران انقلاب فرهنگی اروپا است.

عصری که «ماسون» های قرون وسطا جایشان را به معمار - مجسمه‌سازان هنرمند، دانشمند و فرهیخته می‌دهند.

هنرمند رنسانسی یک انسان چند بعدی است، مثال بارز آن: داوینچی در دوره رنسانس مرفی و نمونه متقدم آن برونلسکی است.

چند هنرمند شاخصِ رنسانس متقدم:

فیلیپو بر ونلسکی (معمار - ریاضیدان - مهندس)

دوناتلو (مجسمه ساز - معمار)

دوناتو برامانته (از نخستین معماران رنسانس مترقی)

لئون باتیستا آلبرتی (معمار و نظریه پرداز معماری)

جوئو* (نقاش معروف "فرسک" و معمار سازنده برج ناقوس

کاتدرال سانتاماریا دل فیوره در فلورانس)

[مجسمه های این برج را دوناتلو ساخته است]

*Giotto di Bondone Italian Artist Early Renaissance

آثار جوئو از نقاشی تا معماری

جوئو هنرمندی متعلق به آخر گوتیک و آغاز رنسانس

دست به کار نقاشی دیواری "فرسک" شدن، ابتکاری رنسانسی است اما سبک نقاشی ها هنوز بینابین است



جوئو، در معماری برج ناقوس هم سبک گوتیک را دنبال کرده است

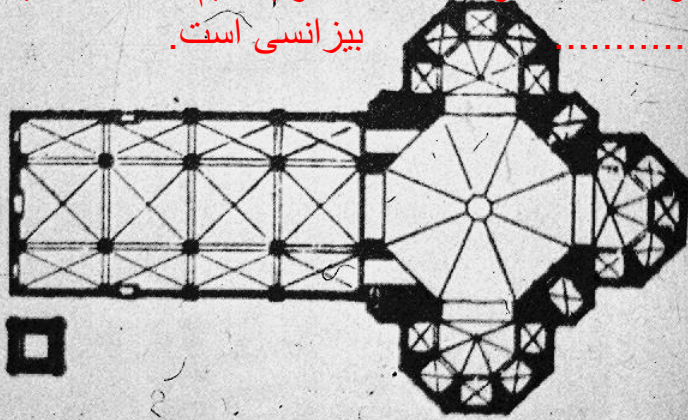


رئسانس متقدم : برونلسکی هنرمند- مهندس و سازنده گنبد کاتدرال فلورانس



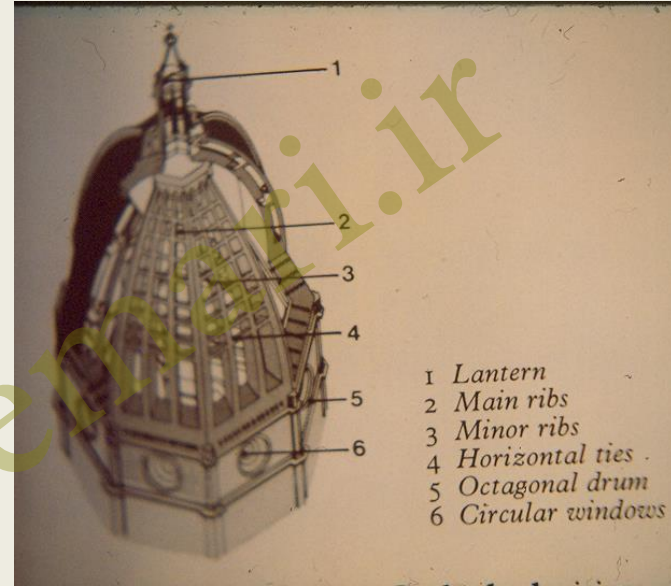
کاتدرال فلورانس (سانتا ماریا دل فیوره) متعلق به دوره گوتیک با گنبد رنسانسی

ترکیب بندی فرمال گنبدخانه و ایده نیم گنبد‌های تکیه‌گاهی بیزانسی است.



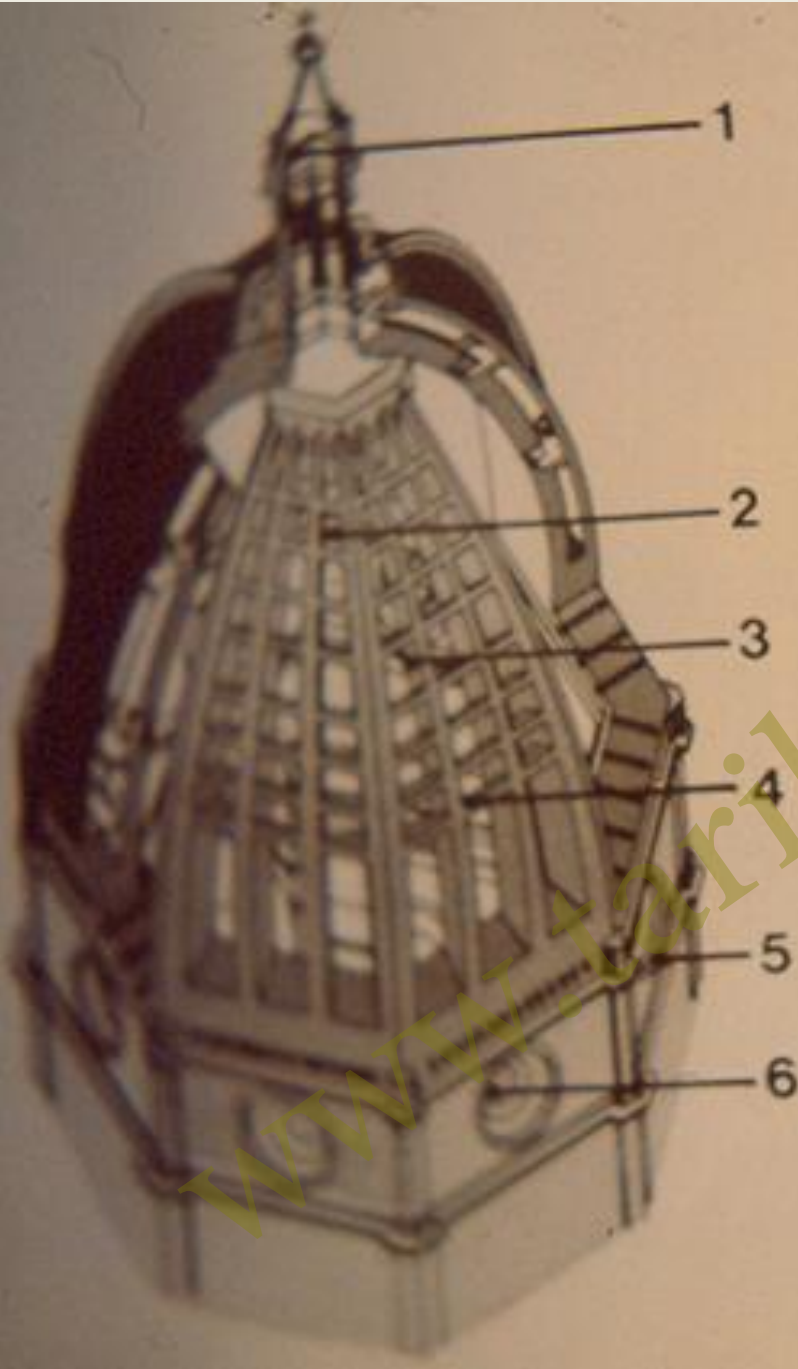
۳۹۰ نقشه ساختمانی کلیسای فلورانس

در نقشه کلیسا اگر سرسرا را حذف کنیم، گنبدخانه و بازویی‌ها و محراب مسیح کاملاً برداشتی از کلیساهای مرکز گرای بیزانسی هستند.



گنبد دو پوسته متصل

پوسته داخلی شامل
تویزه‌های تیزه‌دار
به شیوه گوتیک
است که در رأس به
هم نمی‌رسند و یک
حلقه که پایه هشت
ضلعی فانوسی گنبد
است آن‌ها را کلاف
می‌کند. پوسته دوم
از بالا و پایین به
پوسته اول متصل
است اما شکل
شلمی و متناسب
با سلیقه رنسانسی
دارد. تویزه‌های
هشتگانه که در نما
نمایان هستند سازه
سبک نگهدارنده
پوشش نهایی گنبد
هستند.



- 1 *Lantern*
- 2 *Main ribs*
- 3 *Minor ribs*
- 4 *Horizontal ties*
- 5 *Octagonal drum*
- 6 *Circular windows*

جداره شلجمی و اتصالش با لایه نازک بام

تویزه‌های سفید تزئینی‌اند و در عین حال نگهدارنده و مجزا کننده ترک‌های پوشش سفالی بام هستند.



ساقه بلند، شکل شلجمی با فانوسی (نورگیر بالایی) و پنجره‌های مدور
ساقه که نورگیرهای پایینی‌اند. پشتبندهای فانوسی میراث گوتیک‌اند.



مجسمه برونلسکی در حال کشیدن نقشه گنبد اتردوناتلو، مجسمه ساز همزمانش

برونلسکی

معمار برجسته رنسانس متقدم که دانش
مهندسی زمانه خود را در معماری و فنون
ساخت بنا و اختراع دستگاه‌های مکانیکی
کارگاهی به کار می بست.

وی کاشف قوانین پرسپکتیو علمی است



شخصیت چند وجهی هنرمند رنسانسی

فیلیپو برونلسکی (Filippo Brunelleschi ۱۴۴۶-۱۳۷۷) م.

برونلسکی به عنوان مجسمه ساز و زرگر معروف و دارای نبوغ و استعداد بسیار در ریاضیات، مهندسی مکانیک و دیگر فنون بود. در سال ۱۴۰۱ پس از شکست در مسابقه طراحی در های تعمیدگاه فلورانس همراه با پرامانته به رُم سفر کرد و مشغول تحقیق در معماری روم باستان شد در بازگشت به فلورانس در مسابقه طراحی گنبد کاتدرال فلورانس سانتا ماریا دل فیوره برنده شد.

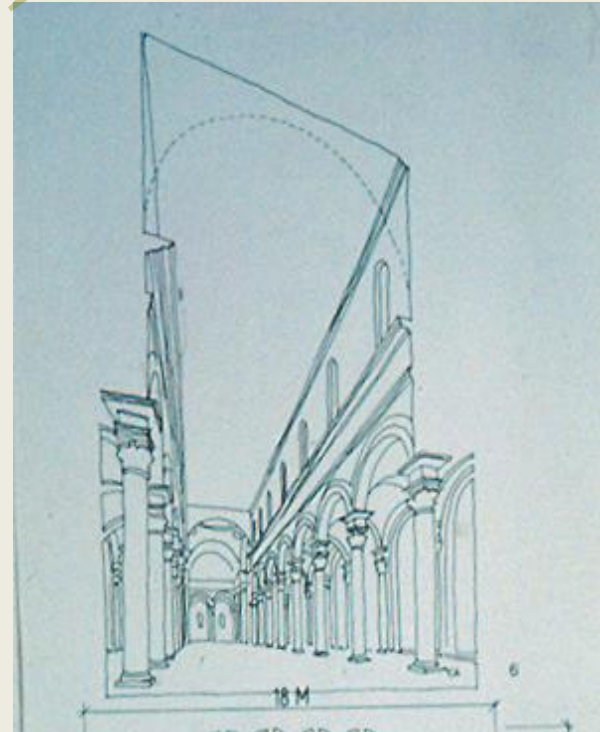
از نظریات بسیار مهم وی اعتقاد به برقراری تناسبات ریاضی در معماری است. در طرح‌های برونلسکی با مدول در الگوهای طرح مواجه هستیم.

وی از سردمداران زندگی فرهنگی فلورانس بود، از سال ۱۴۰۹ کار خود در ساخت کلیسای جامع سانتا ماریا دل فیوره را آغاز و ساخت گنبد عظیم کلیسا را در ۱۴۱۸ شروع کرد. که بنا بر معیارهای فنی و زیباشناختی کاملاً طرحی جدید بود.

این پژوهشگر ریاضیات کاربردی آغازگر کاربرد پرسپکتیو «علمی» بود که به منظور درک و ساخت منطقی فضاها به کار گرفته می‌شد؛ او مانیسیم در هنر با برونلسکس پدید آمد. ساختمان‌هایی که او در فلورانس ساخت و مایه الهام بسیاری معماران پس از وی شد، مجموعه گسترده‌ای از نمونه‌های گوناگون است، از کلیساهای باشکوه تا نیایشگاه‌های کوچک، از کاخ‌های خصوصی تا بیمارستان‌ها، از آرایش‌ها و طرح‌های شهری تا طراحی وسائل نظامی و مکانیکی.

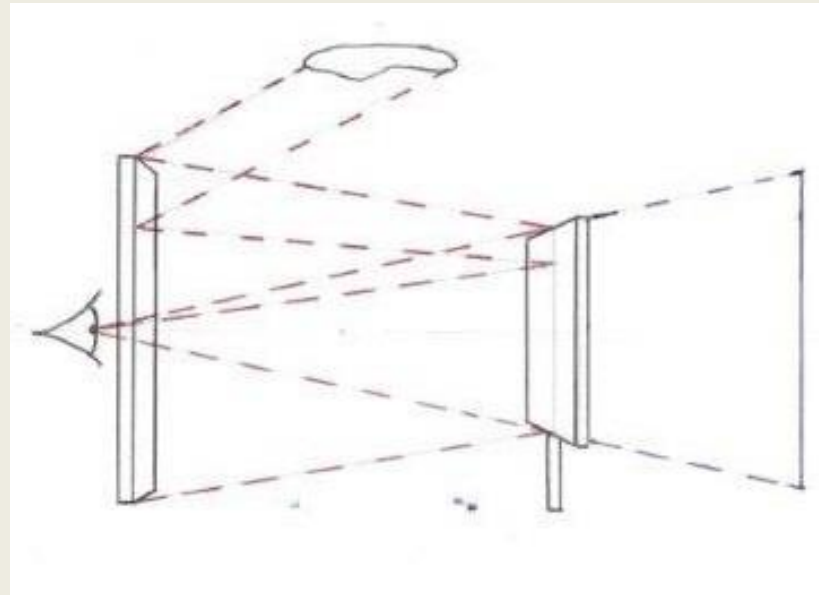
آثار هنری او همواره احساسی از ضرباهنگی سنجیده و شگفت‌آور به بیننده القا می‌کرد، به گونه‌ای که هر جزء از ساختار، رابطه خیره‌کننده‌ای با تناسب‌های کل آن داشت. [اقتباس از چند منبع و ویکی پدیا]

کاربرد پرسپکتیو علمی در طراحی معماری، طراحی شهری و نقاشی رنسانس مرهون برونلسکی است



برونلسکی معمار- مهندس، ریاضی دان و کاشف قوانین پرسپکتیو علمی
که در علم و فنون مکانیکی نیز متبحر بود.

پایین چپ ماکت قایق برای حمل سنگ مرمر و راست اتود نحوه ترسیم پرسپکتیو



دوناتلو مجسمه ساز - معمار رنسانس متقدم (قرن 15) و چند اثر از او

مریم مجدلیه، سردیس داوود و مجسمه های بدنه برج ناقوس کاتدرال فلورانس، نشان دهنده تحول از سبک گوتیک به رنسانس هستند.



کشف قوانین پرسپکتیو علمی در رنسانس متقدم و تأثیر آن در نقاشی رافائل در رنسانس مترقی



"هنرمند" به مفهوم رنسانسی شخصی است که به تمام دانش‌های زمانه خود آشنا باشد.



رافائلو سانتزیو نمونه کامل هنرمند رنسانس پیشرفته است ، با آنکه شدیداً تحت تاثیر لئوناردو داوینچی و میکل آنجلو (میکلانژ) بود به نیروی ابتکار و اصالت پرتوان خود نیز میدان می‌داد؛ او چنان خستگی ناپذیرانه با روحیه هنر کلاسیک کار می‌کرد که هنرش را تقریباً می‌توان رستاخیز هنر یونان در اوج تکاملش تلقی کرد. گوته شاعر و منتقد پرآوازه آلمانی، درباره رافائل گفته است که وی مجبور به تقلید از یونانیان نبود زیرا خودش همچون یونانیان می‌اندیشید و احساس می‌کرد.

رافائل روشنی را بر تیرگی ترجیح می‌داد و نور در نقاشی‌های او به طریق علمی حضور دارد، برخلاف لئوناردو شیفته رازپردازی نبود. این هنرمند بزرگ رنسانس خود را در جمع ریاضی- دانان و دانشمندان دیگر رشته‌های علمی می‌گنجاند و بدون تردید علوم تصویری را در نقاشی دیواری معروف مدرسه آتن به نقطه کمال رساند.

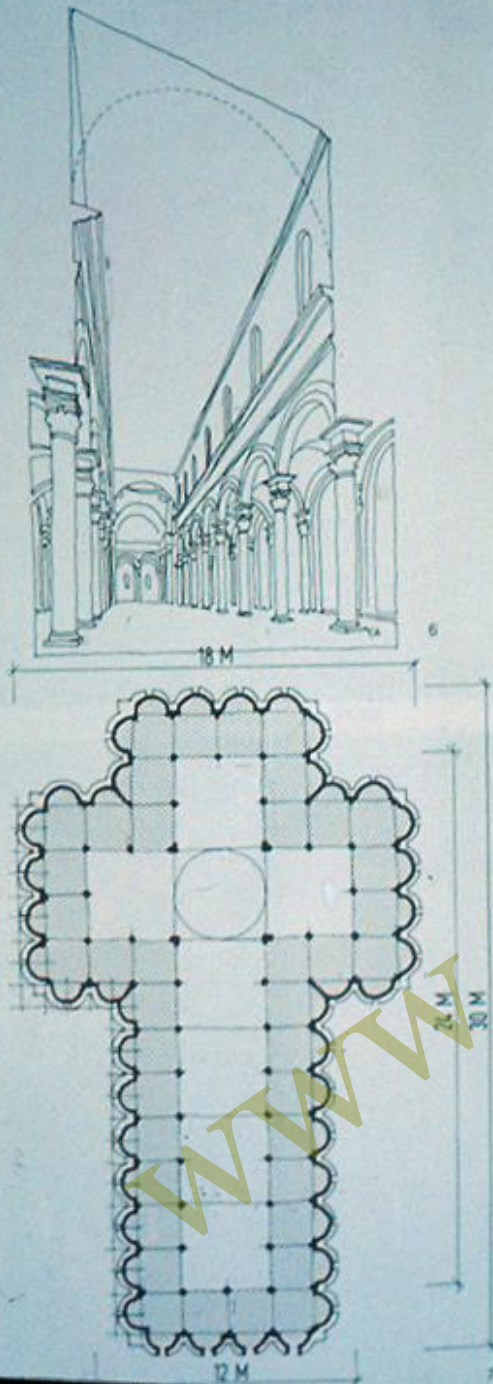
رئسانس متقدم

برونلسكى (سانتو اسپيريتو و نمازخانه پاتزى)

برامانته (تمپيتو)

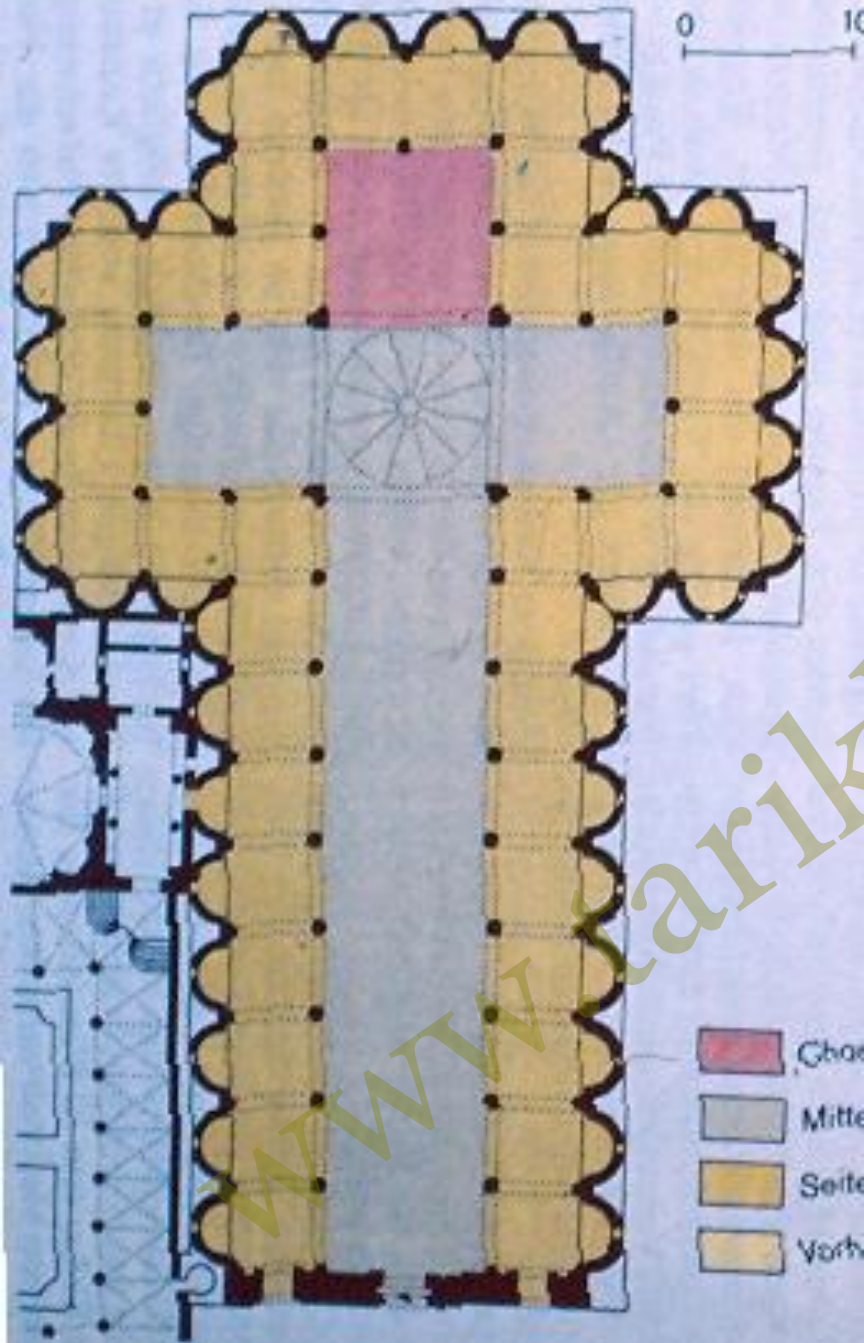
آلبرتى (سن اندرنا)

برونلسکی: کلیسای سانتو اسپیریتو (روح القدس)





جبهه غربی سانتو اسپیریتو، ناتمام
فلورانس

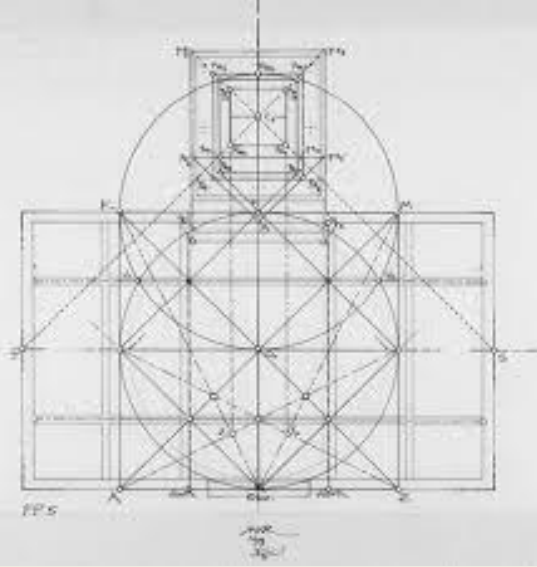




نمازخانه
پاتسی
فلورانس

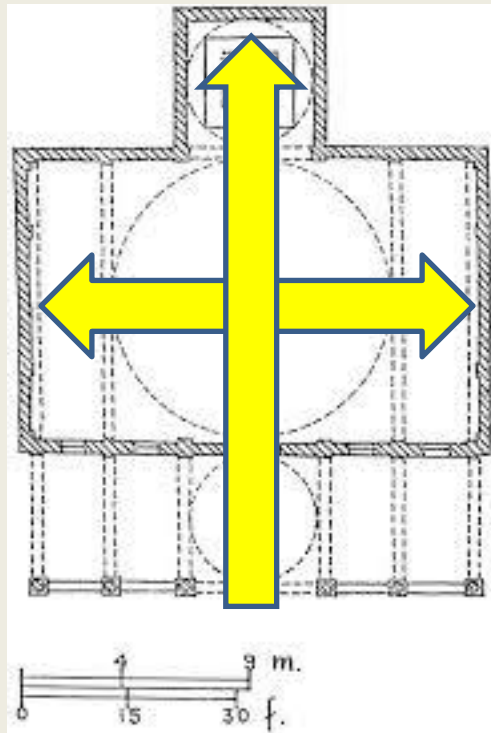
یک بنای
کوچک در
انتهای حیاط
یک دیر قرون
وسطایی با
کلیسایش
به نام بازلیکای
سانتا کروچه

مدول و تناسبات هندسی
در طراحی نقشه نمازخانه
پاتزی توسط برونلسکی



محل نمازخانه در انتهای حیاط





بازیلیکای سانتا کروجه (صلیب مقدس)

نمای غربی بازیلیکا گوتیک ایتالیا است.
انتهای حیاط آن محل نمازخانه رنسانسی
است.

نقشه ساده نمازخانه پاتزی

حیاط دیر و برج ناقوس کلیسا در پشت.

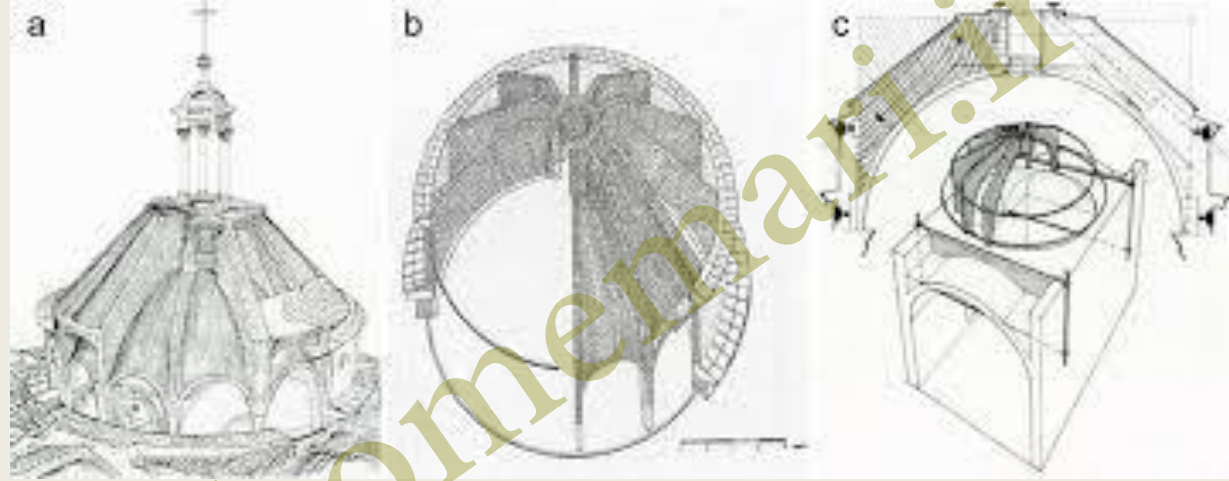


"پورتیکو" یا رواق ورودی بسیار تزئینی و فضای درونی بسیار ساده است.

وسط: گنبدخانه رو به محراب. چپ: گنبدخانه رو به بازویی، نور از ورودی به داخل تابیده و راستای محراب را نشان می‌دهد. فضای طاقدار سمت چپ محراب قرینه‌ای هم در سمت راست دارد و این دو در حکم فضای بازویی هستند.



ماکت طرح گنبد که قرار بوده روی ساقه هشت وجهی باشد.
طرح اجرا شده که ساقه در آن دایره است.



بالا: طرح پوشش چتری شکل گنبد. زیر: گنبد و پاندانتیوها از داخل



رواق ورودی با گنبدی در میانه و طاق‌های جانبی تزئین شده به سبک رومی
پاندانتیوها به شکل صدف هستند



دوناتو برامانته

و بنای یادبود یک شهید

"تمپیه تو"

(معبد کوچک)

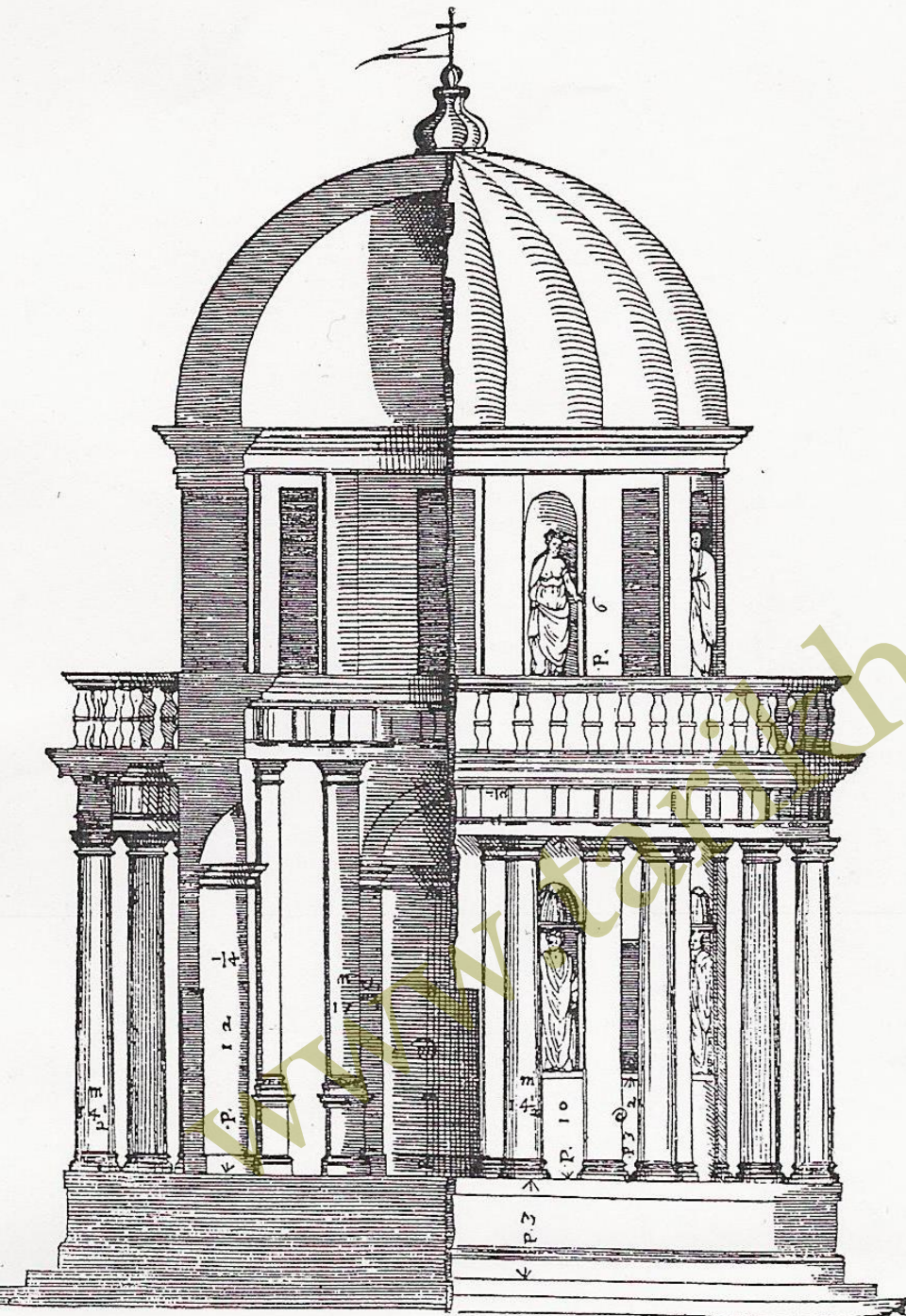
در وسط حیاط کلیسای سن پیترو در
مونتوریو، ایتالیا ساخته شده است.

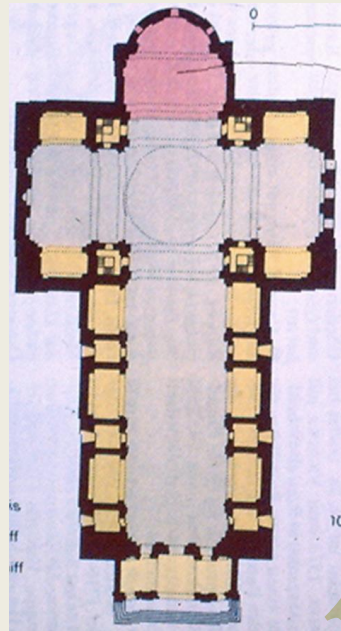


1502, in the courtyard of San Pietro in Montorio

تحلیل نمای تمپیتو

نقشه بر اساس طرحی در
"چهار کتاب معماری" اثر پیالادیو





لئون باتیستا آلبرتی

معمار نظریه پرداز

آثار او از چپ به راست:

پلاتزو روچلای در فلورانس
کلیسای سنت آندریا در مانتونا
کلیسای مالاتستینو در ریمینی





St. Andrea in Mantua

نما ملهم از نمای طاق نصرت
های رومی و حجمی بیرون
نشسته از بنا است.
در کنارش برج کلیسای دوره
رمانسک است.

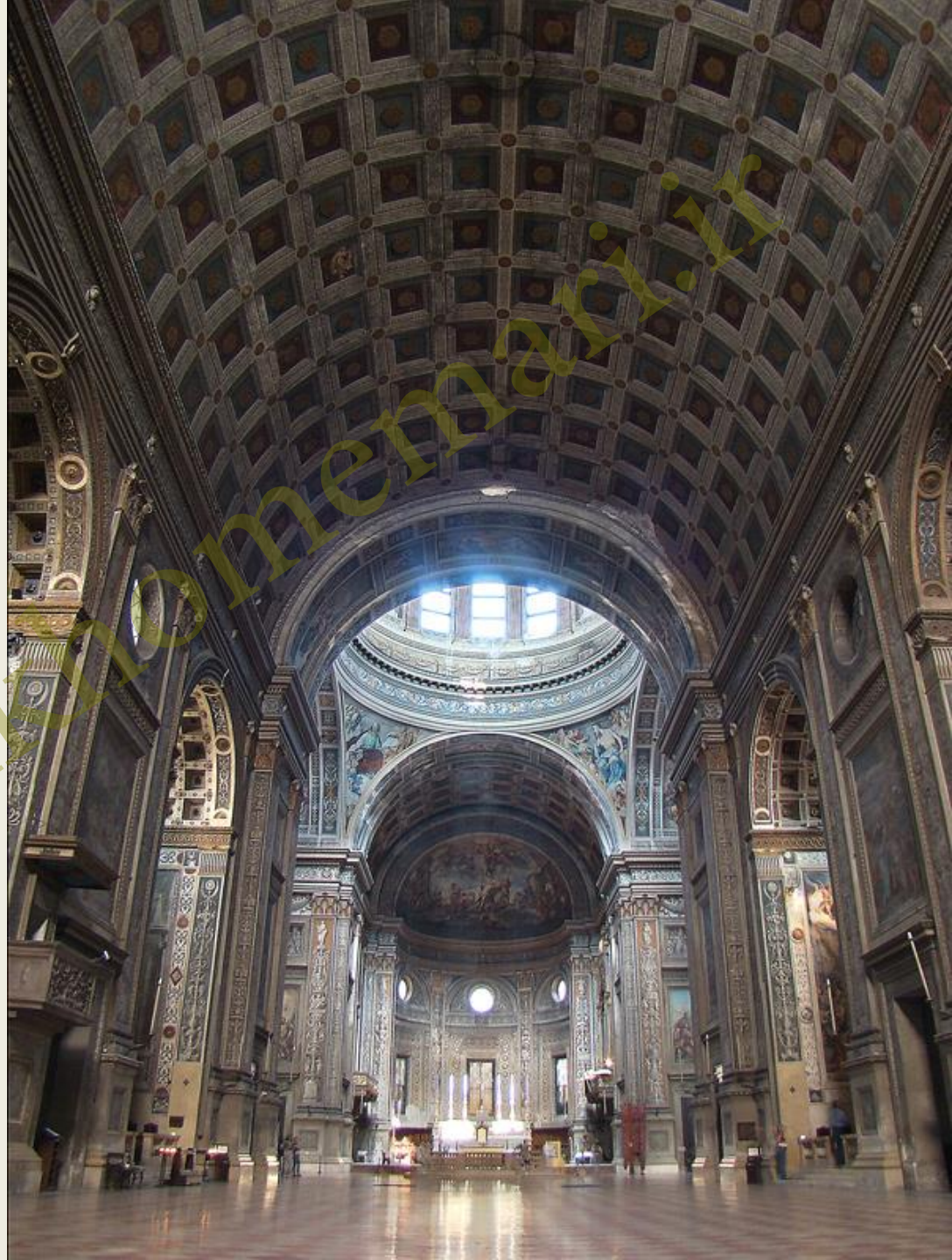
کلیساهای دوره رنسانس در ایتالیا
معمولاً برج ناقوس ندارند.

ناو کلیسا با طاق گهوارهای یکپارچه

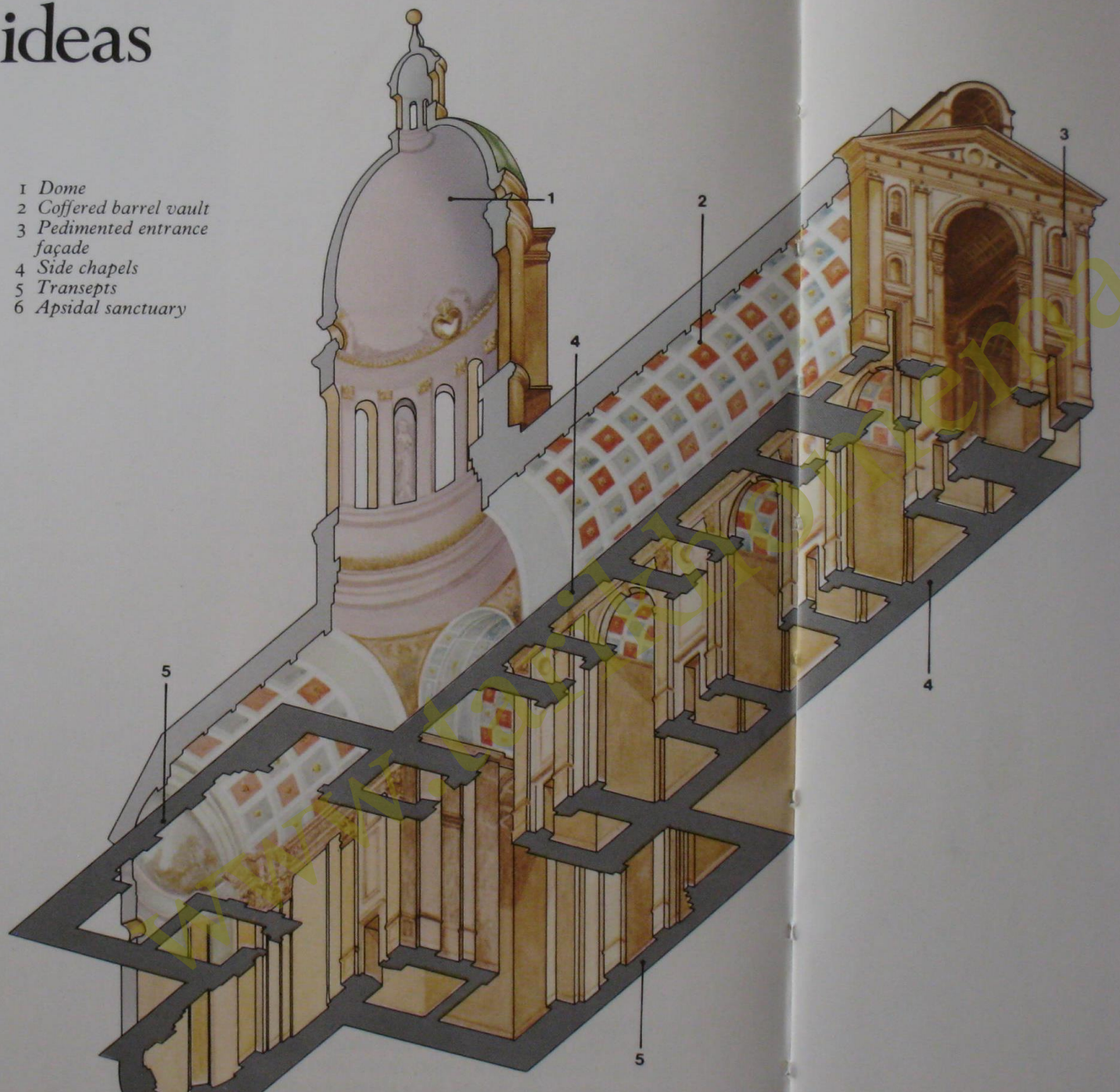
تزیین طاق ناو حفره‌های مکعبی به
سبک روم باستان است
(طرح ریشه در سقف‌های قالب سنگی توخالی
یونان دارد)

جرزهای ضخیم آن پیشگام جرزه‌های
سنت پیتر رُم است.
این کلیسا راه‌آه جانبی ندارد در عوض
نمازخانه‌های متعدد جانبی دارد که
دیوار بین آن‌ها کار پشتیبند برای سقف
طاقی یکسره ناو را می‌کند.

**در محل تقاطع، گنبدی با اصول
رنسانسی با ساقه‌خیلی بلند دارد.**



- 1 Dome
- 2 Coffered barrel vault
- 3 Pedimented entrance façade
- 4 Side chapels
- 5 Transepts
- 6 Apsidal sanctuary



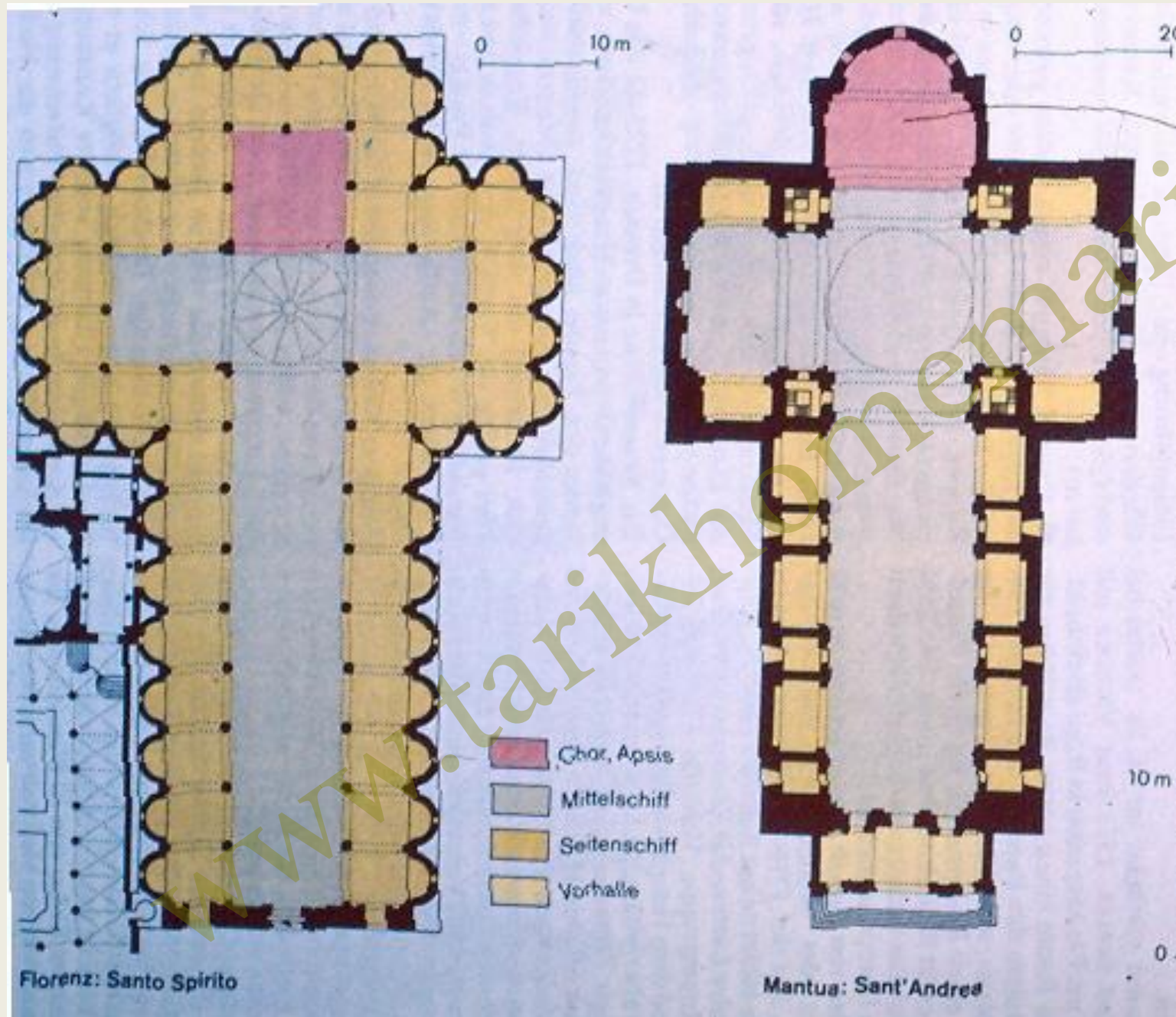
سن آندرنآ در شهر مانتوآ

راهرو جانبی ندارد
و ردیف نمازخانه
ها که دیوار هاشان
جرزهای ضخیمی
هستند رانش طاق
گهوارهای سراسری
ناو را که کاملاً به
سبک رومی است
جذب می کنند.

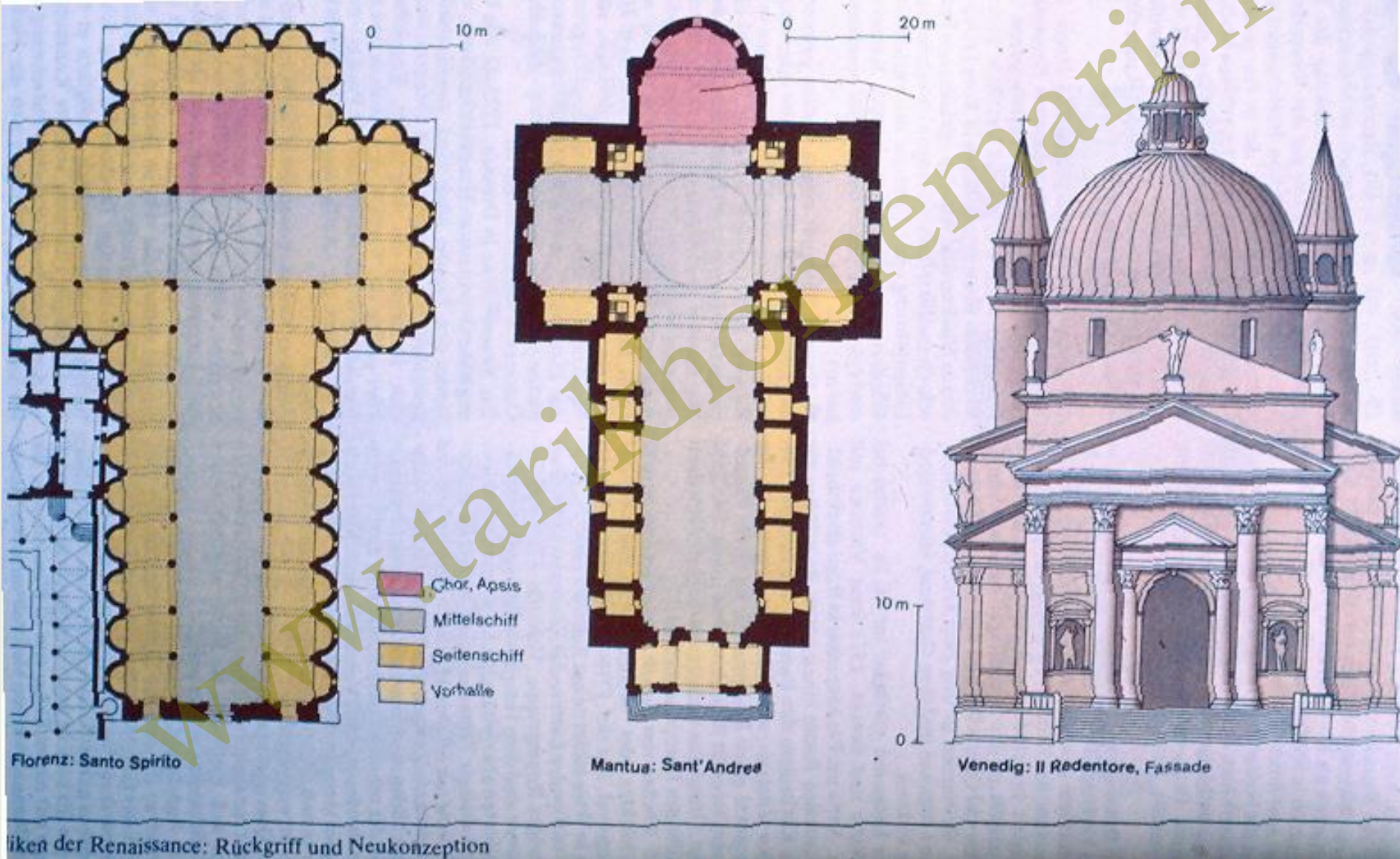
گنبد شلجمی وبا
ساقه بسیار بلند
است.

سن آندریا
در مقایسه
با
سانتو اسپریتو

از نظر
تحلیل فرم و نقش
سازه در فضاسازی
علی رغم مقیاس
متفاوتشان از نظر
وسعت.



تغییرات و تنوع در پلانشها، نماها و فضای کلیسا در رنسانس
از متقدم تا متأخر (چپ به راست)

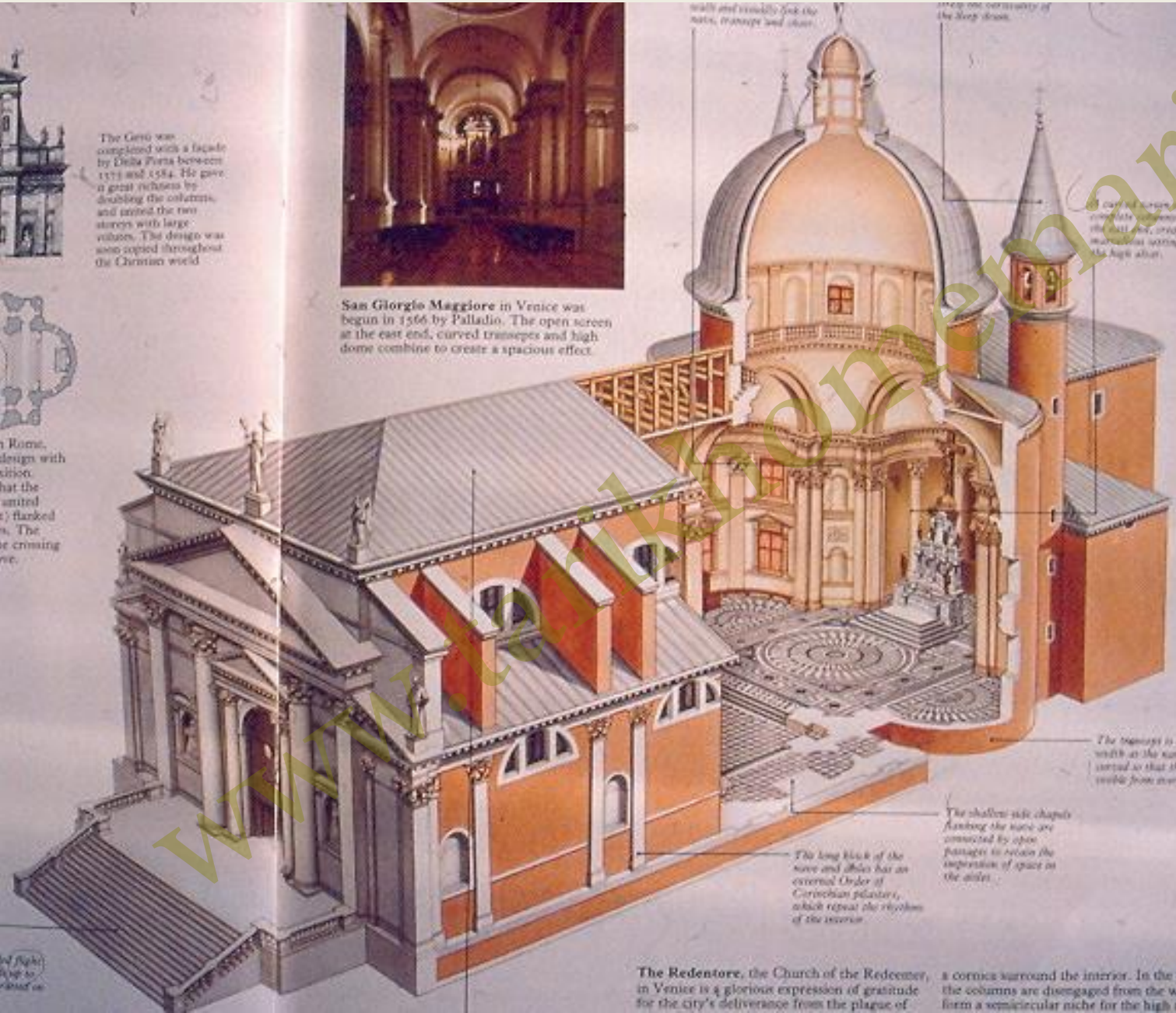


Il Redentore

اثر پالادیو و متعلق به رنسانس متأخر (آخر قرن 16) است.

دستاوردهای رنسانسی و تحولات معماری کلیسا را از گوتیک تا آخر رنسانس
می‌توان در این نمونه
برشمرد.

کلیاتی از معماری رنسانس: کلیسای "ردنتوره" در ونیز



- تغییر نما و تناسبات جبهه غربی به عنوان محل اصلی نمایش فرم‌های کلاسیک

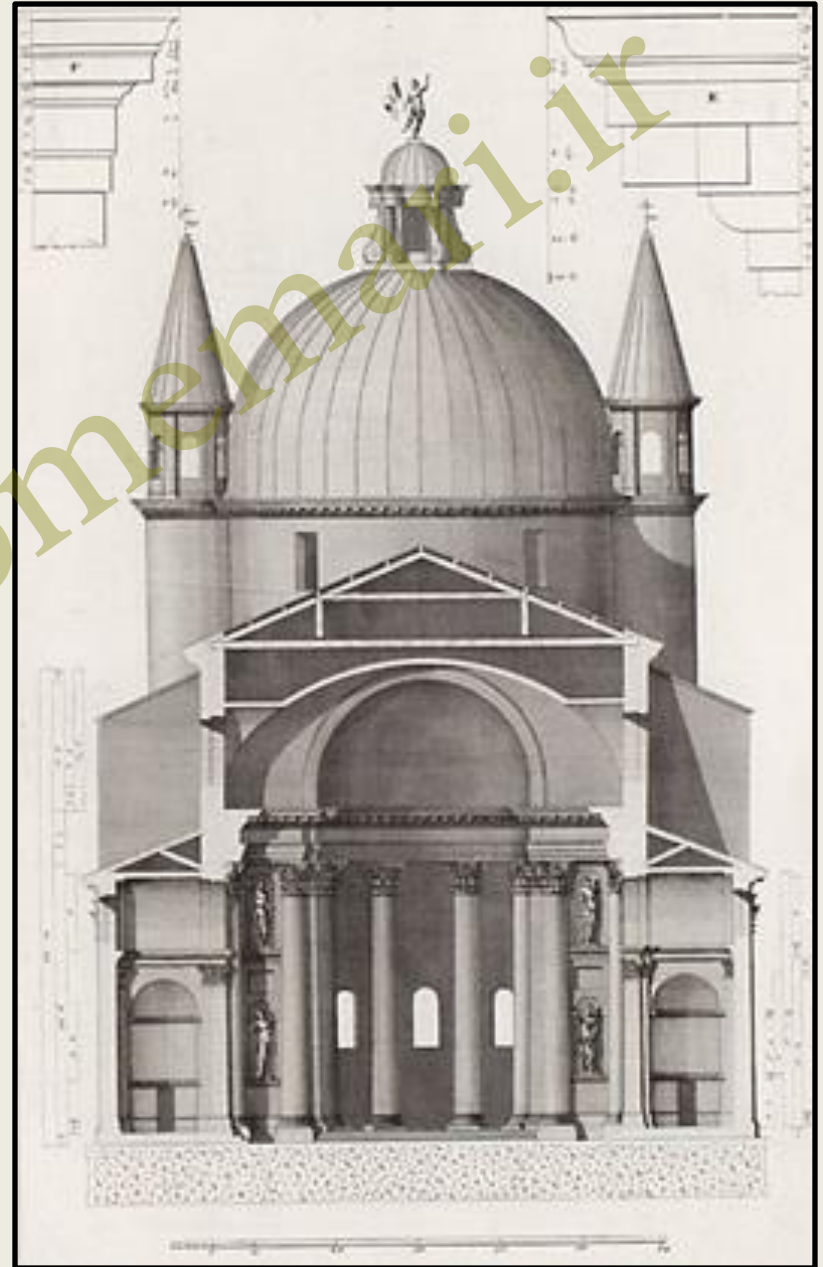
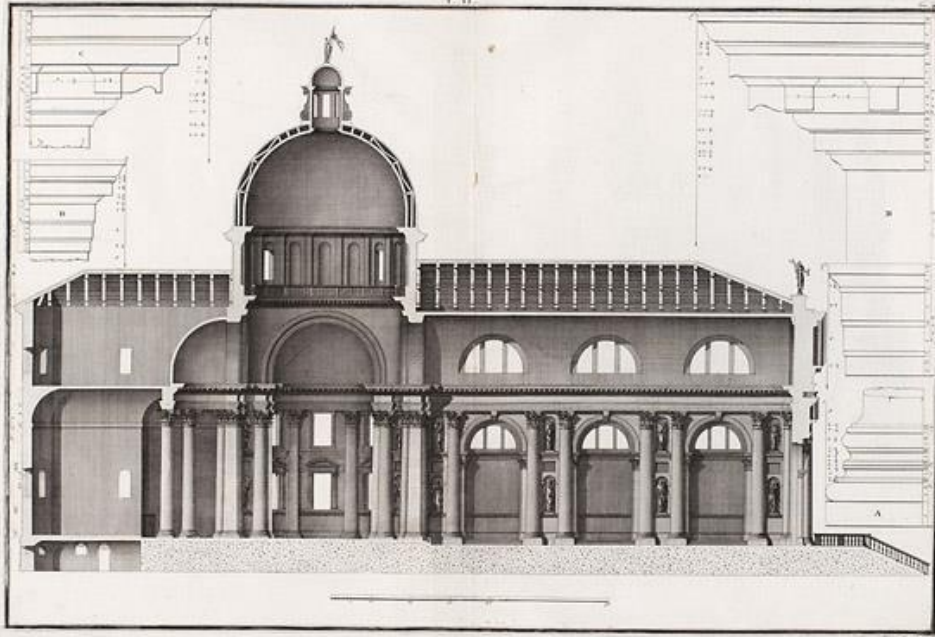
- گنبد به عنوان نماد کلیسا با ساقه بلند و فانوسی مرتفع

- غلبه امتدادهای افقی بر امتداد های قائم

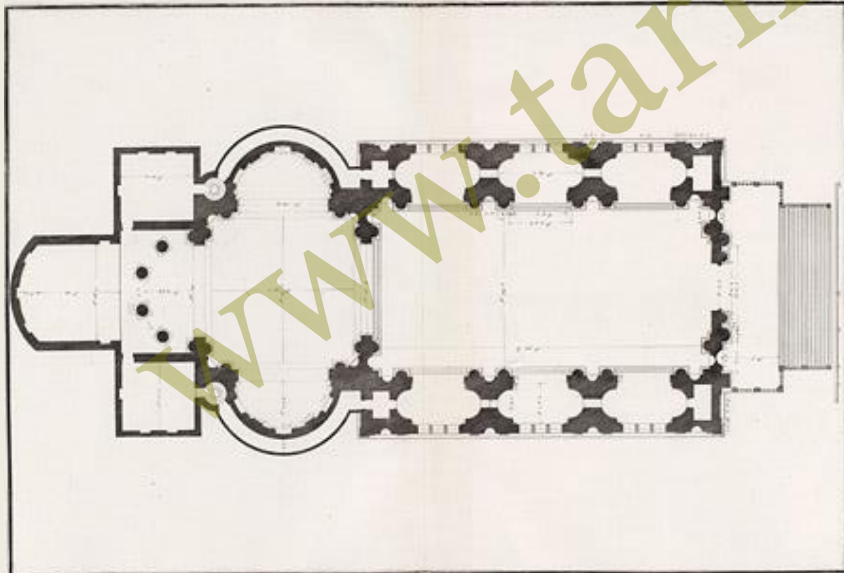
- حذف پشتبندهای ظریف گوتیک و پنهان کردن پشتبند اگر جایی لازم باشد.

- برج ناقوس حذف یا جا به جا می شود.

ایل ردینتوره Il Redentore

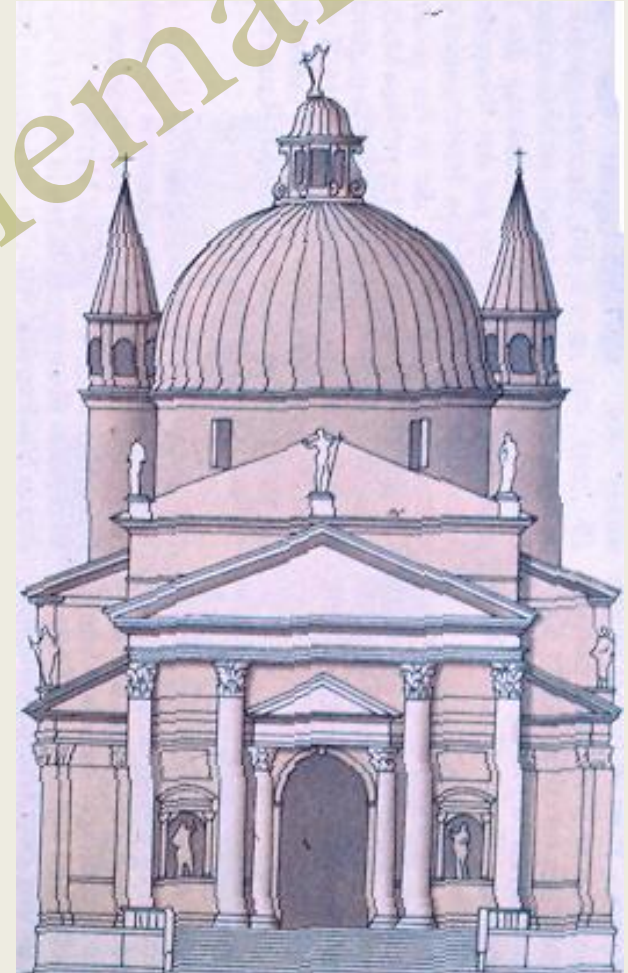


ابتکار معمار در طرح‌های متنوع برای کلیسا به‌عنوان خلاقیت هنری از ویژگی‌های رنسانس است: طرح بازویی نیم‌دایره و راه پله به صورت برج ناقوس در جوار گنبد.



فضای درونی بعد از تعمیرات بدون نقاشی و رنگامیزی است.

جفت برج ناقوس چسبیده به گنبد یک نمونه از ابتکارات است.



Venedig: Il Redentore, Fassade



پایان بخش رنسانس متقدم

www.tarikhnomemari.ir